



ارسالان خلعتبری

برای دهم سوم بریاست وزرا منصوب شده بود و قبل از آن هم مجلس شورای ملی منحل شده بود .

قبل از ریاست وزرائی مرحوم محمد ولی خان (سپهسالار اعظم) مرحوم مستوفی الممالک که معروف به آقا بود و احترام فراوانی و وجاهت بسیاری در نزد ملت ایران داشت بریاست وزرائی تعیین و بعد از استعفای مرحوم مستوفی مرحوم شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما ریاست وزراء را داشت و بعد از مرحوم فرمانفرما مرحوم محمد ولی خان سپهسالار به این سمت از طرف احمد شاه منصوب شده بود .

یک قسمت از یادداشتهای مرحوم محمد ولی خان سپهسالار بمناسبت ارتباط به آن زمان از نظر وقایع و اوضاع مملکتی روز و جنگ که بداخل ایران کشیده شده بود قابل توجه است که مقداری از آن که در دسترس است برای ملاحظه و مطالعه صاحبان نظر و علاقمندان بتاریخ نقل می شود .

دو نامه از

محمد ولی خان

خلعتبری

« سپهسالار اعظم »

قسمتی از یادداشتهای پراکنده مرحوم محمد ولی خان خلعتبری (سپهسالار اعظم) که از پشت کتابهایی در آن نوشته شده است خارج گردید مربوط به ایام جنگ بین الملل اول است که آن مرحوم در زمان همان جنگ که

از این ملت و جمع بخواهید بالاتفاق درمسند
 قدم بگذارید دست پاچگی نکنید در این مسند
 مدعی ندارید عرض نمیکنم غیر از این بفرمائید
 خبط و خطا و ناصواب است محمدولی»



مستوفی الممالک

مرحوم مستوفی الممالک بعد از تشکیل
 کابینه وزراء از مرحوم محمدولی خان
 سپهسالار هم دعوت بشرکت در کابینه کرد و
 با اصرار مرحوم مستوفی الممالک چنانچه
 در یادداشت‌های مرحوم محمد ولی خان دیده
 می‌شود پست وزارت جنگ بر عهده او گذارده
 شد ولی بعد از سه ماه مرحوم محمدولی خان
 از کابینه استعفا نمود و نامه‌ای در موقع استعفا
 بر رئیس الوزراء (مرحوم مستوفی) نوشته که
 از یادداشت‌ها نقل می‌شود :

د تاریخ نوزدهم شهر ذی حجه سنه
 ۱۳۳۳ - مقام محترم رفیع رئیس الوزراء
 وزراء عظام دامت شوکتهم - معروف است
 پیران تپی و زمستان راشبی این بنده تا بحال
 که هوا معتدل و اندیشه نبود و فی الحقیقه
 محض ظهور خدمت بملک و ملت و با اصطلاح وطن
 پرستی چون موقع هم خیلی قابل ملاحظه
 بود حالا نزدیک سه ماه است با کمال جدور

سواد مراسله مرحوم محمدولی خان
 سپهسالار بمرحوم مستوفی الممالک بتاریخ
 ۲۳ شهر رمضان ۱۳۳۳ :

« قربانت شوم برای تبریک عرض را
 عرض مینمایم و ضمناً برای حاجت و ادای
 تکلیف حالیه که ذمه دار امر خطیر ریاست
 وزراء شدید یا برای ادای امر قدر قدر
 شاهانه یا خواهش ورأی اتفاق نمایندگان
 و با اطلاعات افکار عموم است هر یک باشد
 انشاءاله خیر و صلاح است و لکن باید حضرت
 اشر فاعالی صلاح حال مملکتی را دور اندیشی
 فرموده در آغاز ببینند برای اصلاحات چه
 در دست دارند و چه خواهند داشت و چگونه
 با این حال پراختلال حاضر می‌توانند اصلاح
 فرمایند اغتشاش حدودات شمال و جنوب و
 شرق و غرب که معلوم عدم اعانت دول همسایه
 که یقین - معاونت علماء و روسا و عشایر که
 معدوم - فقدان مالیه و خزانه و سلاح هم مبرهن
 شدت و قاحت نمایندگان محترم در هر جزئی
 و کلی الی غیر النهایه چنانچه اگر ذکر
 معایب امور را خاطر نشان کنم یک کتابی
 لازم است بحمداله ذات مقدس هم که بهتر
 واقف و مطلع - حاجت تذکار ندارید اگر هم
 ذکر می‌شود بفرمائید برای فداکاری بملت
 قبول این زحمت را مینمایم در صورتی که
 بدانید اسباب اصلاح در دست نیست و بی
 اسلحه بمیدان میرود فی الحقیقه این فساد
 است نه صلاح سهل است یک ملتی را سرنگون
 نمودن و بمخاطره انداختن است و بی گذر
 به آب زدن و بی مشاوره کار کردن که خلاف
 شرع و طریق و نجات قومی است بهر حال
 چون دوست وجود مسعود هستم تمنای مینمایم
 که یک عده اشخاص را بخواهند محاسن و
 معایب را بمیان آورده شور و غور نموده آن
 چه را که فی الحقیقه لازمه جریان امور است

بشود لیکن بنده پرستنده طاقت و توانائی
تحمل ندارم و سعادت آن ذوات را با ما درجه
خواهانم - محمدولی ،



سپهسالار اعظم

خوانندگان ملاحظه می کنند که در
موقع تشکیل کابینه مستوفی الممالک وضع
ایران از چه قرار بوده و مطالبی که مرحوم
محمد ولی خان در نامه اول خود به مرحوم
مستوفی الممالک نوشته رهوس نگرانی ها و
اوضاع وخیم را تذکر داده که در رأس آن
اغتشاش در شمال و جنوب و شرق کشور و کمک
نکردن دول همسایه (روس و انگلیس) به
دولت ایران و دخالت نمایندگان مجلس در
همه امور از جزئی و کلی و وضع وخیم مالیه
مملکت و همراه نبودن روساء عشایر و نداشتن
قشون یا اسلحه و غیره بوده است .

در نامه دوم هم که استعفاء از عضویت
کابینه است باز بمطالبی اشاره نموده که اول
آن بدینی مردم نسبت بسططان قاجار است
و سپس تذکر میدهد که دول دوست و دشمن
یعنی آلمان و عثمانی از یک طرف و روس و

جلسه وزراء حاضر شدم و آنچه را هم که
دانسته و فهمیدم و در هر موقمی از روی صدق
نیت بمرض رسانیدم و طمع و توقمی حتی در
پریشانی امور شخصی هم اظهار نکردم که
مبادا مایه تصدیق و ضیق وقت و زرای عظام نشود
لیکن خیلی متأسفم که این سعی ها نه برای
شخص و نوع نه ملک اثری و تمری ندارد و
نبخشیده بلکه نخواهد بخشید و آنچه را که
مقید انتظام امور ملک و ملت است در پرده استتار
مخفی است بلکه از عالم غیب بشود هم نمی آید
و سهل است مذاکرات آنهم در نرزدار باب مقول
و احزاب مایه تمسخر و ندامت خواهد بود
این بنده چون بمقل خودم بیچاره مانده ام
این زحمتهای شخصی را هم بی حاصل میبینم
لهذا از خدمت ذی سعادت آقای رئیس الوزراء
و همکاران محترم با نهایت ادب و احترام
معافیت خودم را در این رجوع خدمت یا
مسئولیت عذر می خواهم چنانچه بعضی اوقات
لازم بدانید احضار بفرمائید یا اجازه بدهند
که شرفیابی حاصل کنم با کمال اطاعت و میل
حاضر میشوم والا حالیه که زمام امور بدست
گرفته اند نه سلطان پرستی ملت را داریده نه
خواهومی علماء را نه انتظام و امنیت رها یا
راونه محبت و معاونت دول دوست و دشمن را
نه خزانه دارید و نه وجوه دارید نه مخزن
دارید نه اسلحه و عسکریه دارید و نه مالیه
دارید نه امیدواری روساء عشایر و ایلات و هکذا
آنچه را که بفکر بیاید با این حالات پریشانی
و گرسنگی عموم طبقات هرج و مرج که از
دخالت اجانب در مملکت شایع و منتشر و
همه معایب از آفتاب روشن تر است با این
حال صرف اوقات بفروعات مسائل بیهوده
و استتاد همه عیوب از کل معلوم است و خامت
عاقبت این کار چه خواهد شد شاید هم
انشاء الله بسمی وافی آن ذوات محترمه خوب

انگلیس از طرف دیگر هیچکدام نسبت بایران نه محبت دارند نه معاونت همچنین دخالت اجانب را در مملکت که باعث هرج و مرج و پریشانی و گرسنگی عموم شده در نامه تذکر داده و باز بموضوع رؤساء عشایرو ایلات که تأثیر در وضع مملکت داشته اشاره می کند و نداشتن قشون و اسلحه و مالیه را از موجهات خرابی وضع و ضعف کشور میداند.

همچنین دخالت نمایندگان مجلس در امور جزئی و کلی کشور را هم از علل ضعف دولت‌ها در اداره کردن امور مملکت معرفی نموده است که خوانندگان میتوانند وضع مملکت را در آن زمان در خیال خود مجسم نمایند. ضمناً مشاهده می شود که مرحوم محمد ولی خان سپهسالار بامر حرم مستوفی الممالک دوستی و حسن رابطه داشته و رعایت احترام فوق العاده را بمرحوم مستوفی الممالک در نامه‌های خود نموده که در مورد اشخاص و رجال دیگر رویه‌ای غیر از این داشته چنانچه در نامه هائی که بعنوان نایب السلطنه ،

(ناصر الملك) و رئیس الوزراء دیگر نوشته پر خاش و تندى بجای رعایت احترام نموده است . اما این تذکر در نامه اول بعنوان مرحوم مستوفی الممالک که باید برئوس مسائل توجه شود فروع از لحاظ آن زمان نکته‌ای قابل توجه است و برئوس مسائل که در دو نامه ذکر شده مناسب با اوضاع زمان بود .

اول راجع بدول دوست و دشمن است چون دولت ایران اعلام بی طرفی در جنگ بین المللی اول نموده بود و قشون روس و انگلیس و عثمانی داخل خاک ایران شده بودند و در داخله کشور در مجلس و هیئت دولت تمایلات زیاد بفتح آلمان‌ها وجود داشت مرحوم سپهسالار از رویه‌ای که تکلیف مملکت را در مورد بی طرفی معین و یکسره روشن نمی کرد انتقاد مینمود .

دوم - معلوم می شود در آن ایام دولت هم از لحاظ مالی بسیار ضعیف و ناتوان بوده و برای این ناتوانی مالی میبایستی فکری اساسی شود .

سوم - اغتشاشات داخلی هم از نظر اینکه عده‌ای طرفدار آلمان و عده‌ای مایل به بیطرفی بودند و با اشغال مملکت بوسیله قوای نظامی روس و انگلیس سلاح را در آن می دانستند که روس و انگلیس را به بی طرفی قانع و آرام سازند يك مسئله قابل توجه و با اهمیت روز بود .

چهارم : دولت ایران از لحاظ قوای نظامی ضعیف بود و در کشور رؤساء عشایرو ایلات که مسلح بودند خودسرانه و مستقلاً عمل می کردند و آلمان و عثمانی و روس و انگلیس حسب موقعیت آنها را تحریک و یا بفتح خود جلب می نمودند و دولت میبایستی قدرت خود را اعمال بر رؤساء ایلات و عشایر کند تا اغتشاشات بخواهد و بدست روس و انگلیس برای دخالت عذرو بهانه نیفتد .

پنجم - در مقابل قروض دولت ایران بر روس و انگلیس در آمده‌های گمرکات ایران وثیقه و دولت ایران عاجز از پرداخت قروض و منافع آن بود و میبایستی بدولت ایران مهلت داده شود روس و انگلیس هم با دادن مهلت موافق بودند اما میخواستند يك کمیسیون مختلطی بر مصرف وجوه موراثیوم (استمهال) نظارت کند و دولت ایران هم با تشکیل کمیسیون مختلط برای نظارت در وجوه استمهال موافقت کرده بود بنا بر این مشکلات مالی مملکت هم در آن زمان با داشتن قروض بر روس و انگلیس مسئله‌ای با اهمیت بود که مثل هر طلبکاری بدولت ایران فشار وارد می آوردند و میخواستند حداکثر استفاده را بفتح خود و با تحمیل بکشور ایران بنمایند . اینها بود مسائل با اهمیت آن زمان که دولت‌ها با آن روبرو بودند .